

Original Article



The Roots of Participatory Democracy

Mohammad Javad Hosseini^{1,*}, Iraj Hosseini Sadrabadi², Mojtaba Hemmati²

¹M.A. in Public Law, Administrative Procedure Law and Supervision and Inspection Management, Tehran, Iran

²Assistant Professor of Public and International Law at the University of Judicial Sciences and Administrative Services, Tehran, Iran



Citation Mohammad Javad Hosseini, Iraj Hosseini Sadrabadi, Mojtaba Hemmati, **The Roots of Participatory Democracy**. *J. Law Political Stud.*, 2023, 3(3), 167-185.

<https://doi.org/10.48309/ilps.2023.3.2>

**Article info:**

Received: 23 September 2023

Accepted: 27 November 2023

Available Online: 2 December 2023

ID: JLPS-2309-1075

Checked for Plagiarism: Yes

Keywords:

Participatory democracy, democratic society. Freedom of access to documents and information, survey, participation right.

ABSTRACT

The transition from autocratic governments and the movement of societies towards accepting the role and will of the people in managing public affairs and ruling over their own destiny will lead to the emergence of the idea of democracy, and this paradigm has accepted many changes and developments in the long run of time to guarantee the participation of the people in the society. . One of the new types of democracy is participatory democracy, which relies on and emphasizes the continuous activism of citizens in the administration of public affairs and transforms them from merely electing public officials to participants in the administration of public affairs. In participatory democracy, people's participation goes beyond elections, and in the field of urban life and issues such as how to plan and prioritize public budgets, how to organize urban construction affairs, how and how to prepare and pass laws and regulations, public policies, direct intervention of citizens and They are continuous and monitor the performance of public officials. This type of democracy requires creating freedom in accessing administrative documents and information, surveying people and recognizing the right to participate in all public areas of society for them. In this article, in a descriptive and analytical way, using library sources, it has been used to draw the face and explain the principles and roots of participatory democracy.

مقاله پژوهشی

بُن‌مایه‌های دموکراسی مشارکتی

محمدجواد حسینی^{۱*}، ایرج حسینی صدرآبادی^۲، مجتبی همتی^۲^۱ کارشناسی ارشد حقوق عمومی، حقوق دادرسی اداری و مدیریت نظارت و بازرسی، تهران، ایران^۲ استادیار حقوق عمومی و بین الملل دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، تهران، ایران

Use your device to scan and read the article online



ارجاع محمدجواد حسینی، ایرج حسینی صدرآبادی، مجتبی همتی، بُن‌مایه‌های دموکراسی مشارکتی، نشریه حقوق و

مطالعات سیاسی، دوره ۳، شماره ۳، پاییز ۱۴۰۲: ۱۸۵-۱۶۷.

doi <https://doi.org/10.48309/ilps.2023.3.2>

چکیده



اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۱ مهر ۱۴۰۲

تاریخ پذیرش: ۶ آذر ۱۴۰۲

تاریخ آنلاین شدن: ۱۱ آذر ۱۴۰۲

کد مقاله: JLPS-2309-1075

بررسی شده با نرم افزار سرفت ادبی: بله

کلیدواژگان:

دموکراسی مشارکتی، جامعه دموکراتیک، آزادی دسترسی به اسناد و اطلاعات، نظرسنجی، حق مشارکت.

گذار از حکومت‌های خودکامه و حرکت جوامع به سمت پذیرش نقش و اراده مردم در اداره امور عمومی و حاکمیت بر سرنوشت خویش سبب پیدایی اندیشه دموکراسی‌خواهی گردید و این پارادایم در درازنای زمان تغییرات و تحولات زیادی پذیرفته است تا تضمین‌کننده مشارکت مردم در جامعه باشد. یکی از گونه‌های جدید دموکراسی، دموکراسی مشارکتی است که تکیه و تأکید بر کنشگری مستمر شهروندان در اداره امور عمومی دارد و ایشان را از صرف انتخاب‌کننده مقامات عمومی به مشارکت‌کننده در اداره امور عمومی تبدیل می‌نماید. در دموکراسی مشارکتی مشارکت مردم فراتر از انتخابات است و در حوزه زندگی شهری و مسائلی مانند نحوه طرح‌ریزی و اولویت‌بندی بودجه عمومی، نحوه تمشیت امور عمرانی شهری، نحوه و چگونگی تهیه و تصویب قوانین و مقررات، خط‌مشی‌گذاری عمومی شهروندان مداخله مستقیم و مستمر دارند و ناظر عملکرد مقامات عمومی هستند. این‌گونه دموکراسی مستلزم ایجاد آزادی در دسترسی به اسناد و اطلاعات اداری، نظرسنجی از مردم و شناسایی حق مشارکت در تمامی زمینه‌های عمومی جامعه برای آنهاست. در این نوشتار به شیوه توصیفی تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای به ترسیم چهره و تبیین بُن‌مایه‌ها و ریشه‌های دموکراسی مشارکتی پرداخته شده است.

مقدمه

به معنای حکومت مردم جای خود را در نظریات سیاسی جوامع گوناگون گشود و اندک‌اندک جوامع به پیاده‌سازی آن همت گماردند و در اغلب جوامع سخن از دموکراسی به‌عنوان یکی از بهترین و مردمی‌ترین نوع حکومت به میان آمد. بسیاری از اندیشمندان به ارائه تعریف و بیان مختصات دموکراسی پرداخته‌اند و این واژه یکی از پرکاربردترین لغات در ادبیات حقوقی و سیاسی عصر ماست، این واژه یونانی تشکیل شده از دو بخش دیموس (مردم) و کراتوس (حکومت و فرمانروایی) و به مفهوم حکمرانی به‌وسیله مردم است (Campbell, 2008: 5) و

یکی از نظریات مهم معاصر در باب نحوه اداره جامعه که برگرفته از یونان و روم باستان و برخاسته از اندیشه‌های آتنی است شریک نمودن مردم در امر زمامداری است همان‌گونه که «ذوق و علاقه مردم یونان به سپردن قدرت سیاسی به دست کلیه شهروندان تمایل داشت.» (قاضی شریعت‌پناهی، ۱۳۸۳: ۶۳۸) از این منظر نظریات مختلفی پیرامون شراکت مردم در تصمیمات عمومی در راستای کاهش هرچه بیشتر قدرت دولت و تقویت اراده و حاکمیت مردم پدیدار گشت و دموکراسی

است و زمام امور جامعه به ایشان سپرده می‌شود، در پی آن است که بیشترین مشارکت تمامی شهروندان را در جلوه‌های مختلف زندگی اجتماعی فراهم نماید و شهروندان تنها کنشگران زمان انتخابات و انتخاب‌کننده حکومت‌گران نباشند؛ بلکه در تمامی حوزه‌ها حضور جدی و پررنگ داشته باشند؛ دخالت در تصمیم‌گیری‌ها و تصمیم‌سازی‌ها، سیاست‌گذاری، تدوین قوانین و مقررات، اجرای قوانین، نظارت بر مجریان قانون و دولتمردان از مباحث مدنظر در دموکراسی مشارکتی است. بررسی این‌گونه از دموکراسی و بیان مختصات و بُن‌مایه‌های آن به شیوه توصیفی تحلیلی از اهداف این نوشتار است.

۱- تعاریف دموکراسی

«انگاره مشارکت مردم در اداره امور کشور، قدمتی به دیرینگی نخستین نموده‌های زیست گروهی بشر دارد» (رحمت الهی، آقا محمد آقایی، ۱۳۹۲، ۶۷).

و همواره مردمان تمامی اعصار و تمامی نقاط دنیا سعی در پیاده‌سازی اراده و خواست خود برای زندگی داشته‌اند و از این رهگذر در درازنای تاریخ حیات آدمی نظرات و راهکارهای متعددی برای حاکمیت اراده آدمی بر سرنوشت خویش توسط ابنای انسانی به کار گرفته شده که یکی از این انگاره‌ها دموکراسی است. این واژه یونانی تشکیل شده از دو بخش دِموس (مردم) و کراتوس (حکومت و فرمانروایی) است که جمع این دو به مفهوم حکمرانی به وسیله مردم می‌باشد. (Campbell, 2008: 5).

دموکراسی زاده عهد باستان است و سرچشمه از آموزه‌های یونانی و رومی دارد. «اگرچه ریشه واژه دموکراسی، به دولت شهرهای یونان باستان و فلاسفه آن دوران برمی‌گردد، در کاربرد امروزی خود، مفهومی مدرن است که از قرون هجده و نوزده به بعد مورد توجه واقع شده است.» (سجادی، ۱۳۸۹: ۲۴)

«صورتی از حکومت است که قائل به همانندی و تشابه شخصیت حاکم و محکوم است؛ یعنی دموکراسی حکومتی است که در آن اراده عمومی تبدیل می‌شود به قانون و قانون هم اجرا می‌شود.» (دوبنوا، ۱۳۷۶: ۴۵) اما جدای از معنای لغوی بسیاری از اندیشمندان و فلاسفه معیار و چارچوب‌های فراوانی برای دموکراسی بیان می‌نمایند همانند اجازه مشارکت مردم در امر زمامداری از طریق انتخاب زمامداران، مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها از طریق انتخاب نماینده، شرکت در تصمیمات مهم جامعه از طریق برگزاری رفراندوم، تضمین آزادی‌های گروهی و فردی در جلوه‌های مختلف، تأمین و تضمین برابری شهروندان جامعه، کثرت‌گرایی در وجوه مختلف سیاسی، عقیدتی، فرهنگی و... رعایت حقوق اقلیت‌ها، تناوب قدرت و حاکمیت قانون. اما امروزه در بسیاری از جوامع به‌ویژه جوامع شرقی و خاورمیانه دموکراسی محدود به انتخاب زمامداران گردیده این در حالی است که «انتخابات خود موجد دموکراسی نیست؛ بلکه تنها ابزاری است در جهت تأمین حق مشارکت سیاسی» (اسلامی، بشکاردانا، ۱۳۹۱: ۵۴).

و دموکراسی واقعی «وقتی است که افراد مردم به‌صورت کمی و کیفی حق مشارکت در امور عمومی خویش را دارا باشند.» (هاشمی، ۱۳۹۰: ۲۱۰).

مفهوم و اندیشه دموکراسی در درازنای تاریخ معاصر جوامع سیاسی تغییر و دگردیسی‌های بسیاری را پشت سر گذاشته و گونه‌های مختلفی داشته است. امروزه در باب دموکراسی تنها انتخاب زمامداران مطرح نیست؛ بلکه مشارکت همه شهروندان در اداره امور عمومی و تصمیمات عمومی ملاک سنجش و عیار دموکراتیک بودن یک جامعه سیاسی است. در نتیجه در بسیاری از نظرات اندیشمندان معاصر سخن از دموکراسی مشارکتی به میان آمده است. دموکراسی مشارکتی با نقد رویه‌های متداول دموکراسی‌های معاصر که خلاصه در انتخاب زمامداران

داشته باشند و بتوانند خود نیز به مناصب و مقامات سیاسی راه یابند.» (هاشمی، ۱۳۹۰: ۱۱۸).

از این منظر «تحقق دموکراسی واقعی وقتی است که افراد مردم کم‌ و کیفیاً در شمار بسیار، حق مشارکت در امور عمومی خویش را دارا باشند.» (هاشمی، ۱۳۷۷: ۶۸). در واقع در اندیشه دموکراسی دخالت اکثریت مردم در تعیین سرنوشت و تصمیم‌گیری بر مبنای اراده آنها رکنی مهم است و شهروندان باید بتوانند به انتخاب زمامداران اقدام نمایند، بر عملکرد آنها نظارت همه‌جانبه داشته باشند و در صورت تخطی از قانون و مقررات بتوانند از مجاری قانونی عزل، برکناری و جانشین‌گزینی آنها را بخواهند. پس حکومت دموکراتیک، حکومتی است که در آن «انتخاب فرمان‌روایان با مردم است و امور حکومتی به طور مستقیم یا غیرمستقیم به وسیله خود مردم اداره می‌شود و مردم منشأ قدرت می‌باشند.» (طباطبایی موتمنی، ۱۳۹۰: ۷۳).

البته در کنار پذیرفتن نظر اکثریت باید به حقوق اقلیت‌ها نیز احترام گذاشت چراکه دموکراسی تنها رأی و نظر اکثریت نیست بلکه احترام به حقوق اقلیت توأمان با دموکراسی است. در دوران معاصر در اغلب جوامع سخن از دموکراسی به‌عنوان یکی از بهترین و مردمی‌ترین نوع حکومت‌ها به میان می‌آید و غالب دولت‌کشورها معتقد هستند که دموکراتیک بوده و دموکراسی در حکومت آنان جاری است، (Becker, Raveloson, 2008: 4)

و به گفته دیوید هلد هم چپ‌ها و هم راست‌ها به دموکراسی معتقد شده‌اند. (امامی، موسوی، ۱۳۹۱: ۱۹۲). اما باید توجه داشت که دموکراسی تنها محدود به انتخاب زمامداران نیست و «عمل رأی دادن فقط یک وسیله فنی است برای کسب نظر از مردم و پرسیدن عقیده آنها، دموکراسی یک اصل سیاسی است که نباید با ابزارهای مورد استفاده دموکراسی اشتباه گرفته شود.» (دوبنوا، ۱۳۷۶: ۴۹).

در یونان و روم باستان‌گرایی حکمرانان به اجازه مداخله شهروندان در امور زمامداری و مشورت‌گرفتن از ایشان در برهه‌های حساس و مهم و تصمیمات سرنوشت‌ساز بود و «ذوق و علاقه مردم یونان به سپردن قدرت سیاسی به دست کلیه شهروندان تمایل داشت.» (قاضی شریعت‌پناهی، ۱۳۸۳: ۶۳۸).

البته در جوامع ابتدایی آن دوران همه افراد ساکن در این سرزمین‌ها حق مشارکت در اداره عمومی جامعه را نداشتند و این حق محدود و محدود به عده‌ای خاص بود. زنان به‌عنوان نیمی از جامعه دارای این حق نبودند و بردگان و کودکان و سالخورده‌گان و اتباع بیگانه ساکن در آن سرزمین‌ها نیز امکان مشارکت در تصمیم‌گیری‌های عمومی را نداشتند و «در یونان باستان افراد جامعه به دو دسته آزاد شهرنشین و برده تقسیم می‌شدند و دموکراسی نیز متکی بر همین اقلیت آزاد بوده است در حالی که در دموکراسی جدید همه مردم بی‌هیچ تمایزی مشارکت دارند.» (هاشمی، ۱۳۹۰: ۲۰۹).

به تدریج با تحولات فکری و جنبش‌های عظیمی که در کشورهای متعدد صورت پذیرفت بر دامنه حق مشارکت شهروندان افزوده شد و زنان و سایر شهروندان نیز حق مشارکت و تعیین سرنوشت خویش را پیدا نمودند چراکه «آدمی با اختراع و وضع نظام‌های دموکراتیک خواهان شکل دادن به زندگی خود‌آنگونه که خود خواهان آن است می‌باشد.» (نبی‌لو، ۱۳۸۶: ۲۵۱)

در تعریف دموکراسی می‌توان آن را اعمال قدرت به‌وسیله جامعه دانست که بر پایه سه اصل آزادی، برابری و اکثریت استوار است. (هاشمی، ۱۳۹۰: ۲۰۹).

در تعریف دیگری از دموکراسی آن را حکومتی دانسته‌اند که «بزرگترین شمار مردم در صورتبندی قدرت و امور عمومی و سیاست مشارکت داده شوند و شهروندان اهلیت انتخاب کردن نمایندگان و کارگزاران حکومت را

پیاپی سازی دموکراسی و اعمال آن شیوه‌های مختلفی دارد و روش‌های گوناگونی تاکنون برای اعمال آن تجربه شده است و هر دولت_کشوری باتوجه به نوع نگاه و نگرشی که به مشارکت مردم داشته شیوه‌ای خاص را پذیرفته و اجرایی نموده است. یکی از شیوه‌های متداول و قدیمی دموکراسی مستقیم است که ریشه این دموکراسی به یونان باستان برمی‌گردد و در جوامع معاصر مستعمره نیوانگلند در آمریکا به پیاده‌سازی آن پرداخته است.

(Breakfast, Mekoa, Maphazi: 36)

در جوامع باستانی مانند یونان و روم که جمعیت کمی نسبت به کشورهای امروزی داشتند و عده محدودی از حق رأی و مشارکت عمومی برخوردار بود غالباً انتخاب زمامداران و یا وضع قوانین و مقررات به صورت مستقیم توسط شهروندان صورت می‌پذیرفت. برای نمونه در یونان باستان «شهروندان در آگورا یا پنیکس گردهم می‌آمدند و در باب مسائل عمومی به رأی‌گیری و تصمیم‌گیری می‌پرداختند و در نتیجه مصوبات اکثریت حکم قانون داشت.» (قاضی شریعت‌پناهی، ۱۳۸۲: ۱۱۶).

به این صورت در جوامع آن زمان اعمال حکمرانی به صورت مستقیم توسط شهروندان صورت می‌پذیرفت و اگر «همه شهروندان به طور مستقیم حاکمیت را اعمال کنند به آن دموکراسی مستقیم می‌گویند.» (قاضی شریعت‌پناهی، ۱۳۸۲: ۱۲۵).

این شیوه امروزه در برخی از مناطق سوئیس اجرا می‌شود. اما در جوامع امروزی باتوجه به جمعیت‌های چند ده و حتی چند صدمیلیونی امکان گردهم جمع شدن تمامی شهروندان و اظهارنظر در مسائل مختلف سیاسی و اجتماعی اگر نگوئیم امری غیرممکن که کاری بسیار سخت، پرهزینه و وقت‌گیر است. از طرفی دیگر کثرت مسائل اجتماعی زندگی جوامع مدرن اجازه نظرخواهی از شهروندان در تمامی امور را نمی‌دهد. در نتیجه باید چاره‌ای دیگر برای اعمال دموکراسی اندیشید. در این رابطه

اگرچه در ادوار گذشته صرف رأی دادن و انتخاب نماینده و مقامات عالی اجرایی مساوی با دموکراسی پنداشته می‌شد اما در اندیشه‌های نوین این امر تغییر نموده و جلوه‌های دیگری به خود گرفته است و باید در نظر داشت که «دموکراسی واقعی وقتی است که همگان مردم حضور متفکرانه داشته باشند و نهادهای مدنی صاحب اندیشه‌ها را در خود جای دهند.» (هاشمی، ۱۳۷۷: ۱۴۳) در نتیجه دگردیسی عمیقی میان دموکراسی باستانی و دموکراسی‌های مدرن صورت پذیرفته و دموکراسی‌های نوین به سمت مشارکت‌پذیر نمودن شهروندان و نظرسنجی مکرر از ایشان در جنبه‌های مختلف اعمال حکمرانی رفته و افزایش تعاملات حاکمان و شهروندان از اصول جدایی‌ناپذیر دموکراسی‌های نوین شده است. تحولی که گسترش ارتباطات و فناوری‌های ارتباطی مدرن سبب سرعت بخشیدن به این روابط و تغییر کنشگری شهروندان شده است. تحولی که سرآغاز اندیشه‌های نوین دموکراسی‌خواهی است. در نهایت دموکراسی شیوه‌ای از حکومت است که مبتنی بر چند پایه اصلی است: شهروندان در انتخاب نمودن آزاد هستند، نظارت‌کننده و تعویض‌کننده رهبران جامعه‌اند، مشارکت‌کننده فعال در سیاست و زندگی اجتماعی هستند و حقوق بنیادین آنها به وسیله حاکمیت قانون تضمین و تأمین شده است.

(Breakfast, Mekoa, Maphazi: 32)

بنابراین، دموکراسی با موناشرسی^۱ آریستوکراسی^۲ و دیکتاتوری^۳ متفاوت است. (Breakfast, Mekoa, Maphazi: 32). این شیوه از حکومت جلوگیری‌کننده از استبداد، رعایت‌کننده حقوق بشر، آزادی‌های عمومی، برابری سیاسی، توسعه و مشارکت حداکثری است.

(Breakfast, Mekoa, Maphazi: 34)

۲- انواع دموکراسی

^۱ Monarchy

^۲ Aristocracy

^۳ Dictatorship

بسیاری از اندیشمندان سخن از دموکراسی غیرمستقیم (نمایندگی) می‌نمایند و «به‌جای اینکه مردم مستقیماً حاکمیت‌ها را اعمال نمایند از طریق نمایندگان خود به اعمال آن می‌پردازند.» (قاضی شریعت‌پناهی، ۱۳۸۲: ۱۲۵) شیوه‌ای که مورد استقبال جهانی قرار گرفته است و تقریباً تمامی نظام‌های حقوقی سیاسی معاصر آن را به کار می‌گیرند. در این نوع دموکراسی «نمایندگان که توسط مردم انتخاب می‌شوند مختارند به این که اراده مردم را توسط حکومت به منصفه اجرا برسانند. یکی از نتایج رواج این شیوه از حکومت این است که مردم عادت کرده‌اند به اینکه مفاهیم دموکراسی و انتخاب نماینده از طرف ملت را کم‌وبیش امری مترادف تصور نمایند.» (دوبنوا، ۱۳۷۶: ۴۳) این شیوه به دلیل سهولت و امکان اجرا مورد توجه قرار گرفته است و برای بسیاری از اعمال مانند انتخاب حاکمان، قانون‌گذاری و... به کار گرفته می‌شود. در کنار این دو گونه از دموکراسی نوع دیگری از اعمال حاکمیت وجود دارد که مخلوطی از دو شیوه پیش‌گفته است و در کنار دموکراسی غیرمستقیم و نمایندگی در برخی موارد حکومت‌ها سراغ آن رفته‌اند و «قدرت سیاسی به دو وجه موازی هم توسط نمایندگان مردم و هم مستقیماً به وسیله خود مردم اعمال می‌شود.» (قاضی شریعت‌پناهی، ۱۳۸۲:

۳- مفهوم دموکراسی مشارکتی

مفهوم دموکراسی در دنیای معاصر تغییرات زیادی به خود دیده و تحولات زیادی را پشت سر گذاشته و گونه‌های گوناگونی از آن به وجود آمده است. در دهه اخیر در محافل علمی و آکادمیک و همچنین مجامع سیاسی سخن از «دموکراسی مشارکتی»^۲ به میان آمده است. گونه‌ای از دموکراسی که گره خوره با مشارکت گسترده شهروندان است. امروزه «در کنار مردم‌سالاری مستقیم و شورایی، علما از مردم‌سالاری مشارکتی به‌عنوان روشی جدید و کارآمد برای تثبیت نظام‌های حقوق اساسی

بسیاری از اندیشمندان سخن از دموکراسی غیرمستقیم (نمایندگی) می‌نمایند و «به‌جای اینکه مردم مستقیماً حاکمیت‌ها را اعمال نمایند از طریق نمایندگان خود به اعمال آن می‌پردازند.» (قاضی شریعت‌پناهی، ۱۳۸۲: ۱۲۵) شیوه‌ای که مورد استقبال جهانی قرار گرفته است و تقریباً تمامی نظام‌های حقوقی سیاسی معاصر آن را به کار می‌گیرند. در این نوع دموکراسی «نمایندگان که توسط مردم انتخاب می‌شوند مختارند به این که اراده مردم را توسط حکومت به منصفه اجرا برسانند. یکی از نتایج رواج این شیوه از حکومت این است که مردم عادت کرده‌اند به اینکه مفاهیم دموکراسی و انتخاب نماینده از طرف ملت را کم‌وبیش امری مترادف تصور نمایند.» (دوبنوا، ۱۳۷۶: ۴۳) این شیوه به دلیل سهولت و امکان اجرا مورد توجه قرار گرفته است و برای بسیاری از اعمال مانند انتخاب حاکمان، قانون‌گذاری و... به کار گرفته می‌شود. در کنار این دو گونه از دموکراسی نوع دیگری از اعمال حاکمیت وجود دارد که مخلوطی از دو شیوه پیش‌گفته است و در کنار دموکراسی غیرمستقیم و نمایندگی در برخی موارد حکومت‌ها سراغ آن رفته‌اند و «قدرت سیاسی به دو وجه موازی هم توسط نمایندگان مردم و هم مستقیماً به وسیله خود مردم اعمال می‌شود.» (قاضی شریعت‌پناهی، ۱۳۸۲:

۱۲۶) مراجعه به همه‌پرسی یا رفراندوم، پله بیست، ابتکار عام از متداول‌ترین ابزارهای پیاده‌سازی این‌گونه از دموکراسی است. علاوه بر موارد مذکور امروزه با توجه به گسترش فناوری‌های ارتباطی و ظهور و گسترش اینترنت که جهان را به دهکده‌ای کوچک^۱ تبدیل نموده و «در سال‌های اخیر، فضای اینترنت عرصه‌های تازه‌ای را برای مشارکت در اختیار شهروندان قرار داده که پیش‌ازاین قابل تصور نبود» (کشاورزی، عربی، ۱۳۹۹: ۲۷۸).

سخن از گونه دیگری از دموکراسی نیز می‌شود که نشأت گرفته از پیشرفت علم و تکنولوژی است و گسترش

^۲ Participatory Democracy

^۱ Global village

و دموکراتیک صحبت می‌کنند. اهمیت گرایش به سمت این روش، بحران موجود در حکومت‌های مردم‌سالار است که با چالش روزافزون بی‌تفاوتی توده‌های مردمی نسبت به حکمرانی و فاصله‌گرفتن شهروندان نسبت به موضوعات گوناگون حکومتی و مدیریتی جامعه همراه شده و مشارکت مردمی را به حداقل ممکن رسانده است.» (جلالی، گرجی‌ازندریانی، ۱۳۹۸: ۴۳۳)

در دموکراسی مشارکتی تأکید فراوانی بر کنشگری شهروندان می‌شود و ایشان از رأی‌دهنده به کنشگر فعال تبدیل می‌شوند. مشارکت عمومی فرایندی است که مقرر می‌نماید اشخاص فرصت تأثیرگذاری بر تصمیمات و خط‌مشی‌گذاری‌های عمومی را دارند. (Breakfast, Mekoa, Maphazi: 36)

در این گونه از دموکراسی مردم صرفاً دست به انتخاب زمامداران نمی‌زنند؛ بلکه علاوه بر انتخاب ایشان بر عملکردشان نظارت مستقیم داشته و در کنار آنها و به‌وسیله آنها به اداره امور عمومی جامعه در هر سه سطح قوه مقننه، مجریه و قضاییه و در سه فرایند قانون‌گذاری، اجرای قوانین و مقررات و نظارت بر چگونگی اجرای قوانین می‌پردازند. دموکراسی مشارکتی گونه جدیدی از دموکراسی است که اجازه می‌دهد شهروندان نقش فعالی در تصمیم‌گیری‌های عمومی داشته باشند، بنابراین این گونه از دموکراسی نقطه مقابل دموکراسی نماینده محور است و به شهروندان امکان و موقعیت مشارکت مستقیم در امور سیاسی و اجتماعی جامعه خویش را به‌صورت مستمر می‌دهد. دموکراسی مشارکتی درصدد آن است که روابط میان حاکمان و شهروندان را به‌واسطه نهادهای واسطه همانند نهادهای مدنی و یا سازمان‌های مردم‌نهاد^۱ به‌وسیله در اختیار گذاردن اطلاعات و برقراری ارتباطات بهبود بخشد. (Gilia, 2013: 255)

بنا بر گفته برخی از محققین دموکراسی مشارکتی گونه‌ای از دموکراسی مستقیم است؛ چراکه شهروندان حق مشارکت در تصمیم‌گیری‌های عمومی را دارند، انتخاب‌کنندگان (شهروندان) به اجرای تصمیمات عمومی اتخاذ شده می‌پردازند. در این سیستم از حکمرانی شهروندان اثرگذار بر تصمیمات عمومی و تعیین‌کننده اولویت‌ها و خواسته‌های عمومی هستند که توسط خودشان مطرح می‌شود. (Aragonès, Sánchez-Pagés, 2008:2)

البته باید در نظر داشت که مشارکت عمومی مفهومی وسیع‌تر از صرف مشارکت در تصمیم‌گیری‌های عمومی است و از این مفهوم فراتر رفته و مشارکت در اجرای تصمیمات عمومی و نظارت بر اجرای آنها را نیز در برمی‌گیرد. (Breakfast, Mekoa, Maphazi: 38)

پیاده‌سازی دموکراسی مشارکتی دارای سه مرحله است، اول آنکه هرکدام از شهروندان تصمیم می‌گیرد که کدام مسئله عمومی برای او دارای اهمیت است و نیاز دارد تا در مورد آن تصمیم‌گیری شود، پس از اجماع در مورد موضوع و توافق در خصوص آن شهروندان موضوع را به مقامات عمومی به‌ویژه پارلمان ارجاع می‌دهند و در گام سوم مقامات عمومی به بررسی و اجرا و در صورت عدم امکان پیاده‌سازی و اجرا برای اظهارنظر مجدد به شهروندان ارجاع می‌دهند. (Aragonès, Sánchez-Pagés, 2008, 6)

مشارکت بخش جدایی‌ناپذیر و بنیادین دموکراسی است و بدون مشارکت مردمی، دموکراسی محکوم به فروپاشی است و مشارکتی ارزشمند است که اثرگذار بر کردار و عملکرد دولت‌ها باشد. (Wagner, 2015:10)

مشارکت عمومی پیش‌نیاز کلیدی و مهم برای حکمرانی خوب^۲ است و دولت‌های محلی باید به فراهم نمودن شرایطی برای مشارکت مؤثر و برابر شهروندان همت گمارند. (Breakfast, Mekoa, Maphazi: 42)

۲ Good Governance

۱ Non-Governmental Organization (NGO)

می‌دارد که «اساس و منشاء قدرت حکومت اراده مردم است». این ماده از اعلامیه به صراحت بر حق مشارکت مردم را شناسایی و آن را اساس حکمرانی می‌داند. علاوه بر این اعلامیه، میثاق حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۶۶^۲ در ماده ۲۵ بیان می‌دارد که «هر انسان عضو اجتماع بدون هیچ گونه محدودیت غیرمعقول حق و امکان دارد تا در اداره امور عمومی بالمباشره یا با واسطه نمایندگی که آزادانه انتخاب شوند شرکت نماید.» ماده ۲۳ اعلامیه اسلامی حقوق بشر مصوب ۱۹۹۰^۳ نیز اشعار می‌دارد که «هر انسانی حق دارد در اداره امور عمومی کشور خود به طور مستقیم یا غیرمستقیم شرکت نماید.» علاوه بر این اعلامیه کنفرانس جهانی حقوق بشر وین مصوب ۱۹۹۳^۴ در قسمت دوم و بند ۱ مکرر بیان می‌دارد که «همه ملتها حق تعیین سرنوشت خود را داند و ملتها حق دارند آزادانه وضعیت سیاسی خود را تعیین کنند.» در ادامه همین بند اعلام می‌کند که «کنفرانس جهانی حقوق بشر محرومیت از حق تعیین سرنوشت را به عنوان نقض حقوق بشر تلقی نموده و بر اهمیت تحقق این حق تاکید می‌کند.» در بند ۵ نیز اشاره می‌کند که «دموکراسی، توسعه و رعایت حقوق بشر و آزادی‌های اساسی وابسته به هم و متقابلاً همدیگر را تقویت می‌نمایند، دموکراسی براساس ابراز آزادانه خواست مردم در تعیین سرنوشت نظام سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی خود و شرکت در کلیه جنبه‌های زندگی است.» در کنار این موارد اعلامیه کنفرانس توسعه اجتماعی کپنهاک مصوب ۱۹۹۵^۵ پس از مرور اوضاع و وضعیت جاری کشورهای شرکت‌کننده در کنفرانس و بیان اهداف و اصول آن تعهدات ده‌گانه را کشورهای شرکت‌کننده در راستای تحقق توسعه اجتماعی جوامع خویش برعهده می‌گیرد که بند سوم اولین تعهد آن

از این منظر دموکراسی مشارکتی ریشه در دموکراسی مستقیم دارد و برای پیاده‌سازی آن مشارکت مستقیم شهروندان نیاز است. در نهایت ریشه‌ها و بن‌مایه‌های این‌گونه از دموکراسی عبارت است از: «مخالفت با دموکراسی نمایندگی به‌عنوان روشی برای ایجاد جدایی بین رابط مستقیم و خالص شهروندان با حکمرانی، مشارکت بیشتر و مستقیم مردم در حوزه فرایندهای تصمیم‌گیری، آموزش و تعلیم شهروندان نسبت به علوم اجتماعی و دانش‌های مرتبط با مباحث مدیریتی جامعه، تمرکز بر همکاری مضاعف مردم و حاکمان به‌خصوص در جوامع کوچک و واحدهای اداری و شهری، مخالفت با تمرکزگرایی و تک‌قطبی بودن و تفکرات اقتدارگرایانه دیکته شده از سوی مرکز حکومت‌ها و چه در داخل کشور و چه در سطح بین‌المللی.» (جلالی، گرجی‌ازندریانی، ۱۳۹۸: ۴۳۳)

۴- دموکراسی مشارکتی و حق بر مشارکت شهروندان

«مشارکت عمومی در نظام‌های سیاسی حق مردم به شمار می‌رود، چراکه مردم حاکم بر سرنوشت اجتماعی خویش هستند و می‌توانند در راستای تحقق اهداف موردنظر حکومت به یاری آن بشتابند» (جاوید، فتاحی‌زفرقندی، ۱۳۹۲: ۷۰) از این زاویه حق بر مشارکت شهروندان در اداره امور عمومی جامعه و حاکم بودن بر سرنوشت خویش از جمله حق‌هایی است که در بسیاری از اسناد حقوقی بین‌المللی به‌عنوان یک حق مسلم و بنیادین پذیرفته شده و ضمانت اجراها و راهکارهای متعددی نیز برای آن ایجاد شده است چون «موضوع کلیدی در بحث مشارکت میزان قدرتی است که به شهروندان اعطا می‌گردد.» (هاشمی، همتی، اسماعیل‌زاده، ۱۳۸۸: ۵۳).

اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸^۱ در ماده ۲۱ بیان می‌دارد که «هرکس حق دارد در اداره امور عمومی کشور خود خواه مستقیماً و خواه با وساطت نمایندگانی که آزادانه انتخاب شده اند شرکت جوید» در ادامه نیز اشعار

^۲ International covenant on civil and political right

^۳ Declaration on human right in Islam

^۴ Vienna declaration on human right

^۵ Copenhagen declaration on social development

^۱ Universal declaration of human right

اسلامی می‌داند^۱ و در بیان عناوین وظایف اساسی دولت، محور استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی و تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی و مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش را از وظایف راهبردی دولت جمهوری اسلامی ایران می‌داند.^۲

در کنار این موارد این قانون اساسی در بیان جلوه‌های حقوقی مشارکت مردم بیان می‌دارد که امور کشور باید به اتکا آرا عمومی و از طریق برگزاری انتخابات و یا از راه همه‌پرسی صورت پذیرد.^۳ در اصل دیگری از این قانون به دموکراسی اداری نیز توجه شده و تشکیل انواع شوراهای را از ارکان تصمیم‌گیری و اداره امور کشور می‌داند^۴ و برای ایجاد کثرت‌گرایی سیاسی و عقیدتی و مشارکت سیاسی مردم در امر زمامداری تشکیل و عضویت در انواع تشکلهای احزاب و گروههای صنفی و سیاسی را به‌عنوان یک حق بنیادین مردم مورد شناسایی و حمایت قرار می‌دهد.^۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در بیان حق حاکمیت مردم بر سرنوشت خویش بعد از بیان تعلق حاکمیت مطلق بر انسان و جهان به خداوند، انسان را حاکم بر سرنوشت اجتماعی خویش دانسته که هیچ‌کس

«تقویت توان و امکانات مردم جهت شرکت در تدوین و اجرای خبرنامه‌ها، خط‌مشی‌های اقتصادی و اجتماعی با توسل به تمرکززدایی، مدیریت بازنهادهای دولتی و تقویت تواناییها و فرصت‌های جامعه مدنی و جوامع محلی به منظور بسط سازمان‌ها؛ منابع و فعالیت‌های خود» است.

از منظری دیگر؛ اندیشه دموکراسی‌خواهی و مشارکت در حکمرانی حدود یک قرن در ایران سابقه دارد و تمایل مردمان این سرزمین به مشارکت در اداره جامعه خویش همواره یکی از دغدغه‌های ایرانیان معاصر بوده و «واقعیه دموکراتیزاسیون یکی از مسائل اساسی موردتوجه در ایران بوده است و ایرانیان طی یک قرن اخیر همواره طالب ارزش‌های سیاسی جدید مثل آزادی، مشارکت سیاسی، برابری مدنی و محدودسازی اختیارات حاکمان به قواعد اساسی بوده‌اند.» (عبداللهی، ساعی، ۱۳۸۴، ۴) به همین دلیل پس از دستیابی ایرانیان به قدرت مشارکت از رهگذر قانون اساسی مشروطه و سپس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اندیشه دموکراسی‌خواهی در میان ایشان روز به روز گسترده‌تر شده است چون «قانون اساسی هر کشور را میتوان نمادی از رویکردهای اجتماعی و سیاسی و قانونی حاکم بر آن کشور دانست» (عاملی، محمدخانی، ۱۳۸۷، ۴۱).

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر مشارکت مردم و برپایی و استقرار حکومت دموکراتیک و مردم‌سالار تأکید شده است و امکان مشارکت مردم در امر زمامداری در قوانین و مقررات مختلف و اسناد بالادستی مورد تأکید قرار گرفته و به رسمیت شناخته شده و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با درنظر گرفتن این تمایل، در اصول متعدد خویش سخن از حق مشارکت مردم به میان آورده است چراکه یکی از عوامل مؤثر در مشارکت شهروندان در اداره امور کشور نقش و جایگاهی است که در قوانین و مقررات برای شهروندان درنظر گرفته شده است. قانون اساسی ایران حکومت ایران را جمهوری

۱ اصل اول: حکومت ایران جمهوری اسلامی است...

۲ اصل سوم: دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل به‌اهداف مذکور در اصل دوم، همه امکانات خود را برای امور زیر به‌کار برد:

۶- محور هرگونه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی

۷- تأمین آزادیهای سیاسی و اجتماعی در حدود قانون.

۸- مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش.

۳ اصل ششم: در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید به انکاء آرای عمومی اداره شود، از راه انتخابات: انتخاب رئیس جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شوراها و نظایر اینها، یا از راه همه‌پرسی در مواردی که در اصول دیگر این قانون معین می‌گردد.

۴ اصل هفتم: طبق دستور قرآن کریم: «و امرهم شوری بینهم» و «شاورهم فی الامر» شوراها: مجلس شورای اسلامی، شورای استان، شهرستان، شهر، محل، بخش، روستا و نظایر اینها از ارکان تصمیم‌گیری و اداره امور کشورند. موارد، طرز تشکیل و حدود اختیارات و وظایف شوراها را این قانون و قوانین ناشی از آن معین می‌کند.

۵ اصل بیست و ششم: احزاب، جمعیتها، انجمنهای سیاسی و صنفی و انجمنهای اسلامی یا اقلیتهای دینی شناخته شده آزادند، مشروط به این که اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچ‌کس را نمی‌توان از شرکت در آنها منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت.

سیاسی و اجتماعی و استفاده از مؤسسات و روش‌های مردمی در ساماندهی امور مختلف مرتبط با زندگی اجتماعی. برنامه سوم توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران نیز ماده ۲ بیان می‌دارد که دولت «به منظور کاهش تصدی‌ها و تقویت اعمال حاکمیت و نظارت دولت و فراهم نمودن زمینه توسعه مشارکت مؤثر مردم، بخش خصوصی و بخش تعاونی در اداره امور» باید زمینه‌های مناسبی را فراهم نماید. قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران نیز در بند و ماده ۹۸ بیان می‌دارد که دولت مکلف است به منظور حفظ و ارتقای سرمایه اجتماعی، ارتقای رضایتمندی عمومی و گسترش نهادهای مدنی، طی سال اول برنامه چهارم اقدام‌های مختلفی را انجام دهد که یکی از آنها «تدوین طرح جامع مشارکت و نظارت مردم، سازمان‌ها، نهادهای غیردولتی و شوراهای اسلامی در توسعه پایدار کشور و فراهم کردن امکان گسترش کمی و کیفی نهادهای مدنی با اعمال سیاست‌های تشویقی است.» مبرهن است که پیش‌شرط اولیه برقراری دموکراسی مشارکتی به رسمیت شمردن حق مشارکت مردم در اداره جامعه است و این حق باید توسط دولت‌ها به رسمیت شناخته شود و بر اساس قوانین و مقررات حمایت شود و رعایت آن تضمین گردد. اگر مردم نتوانند در اداره جامعه خویش سهیم شوند به تحقیق نمی‌توان سخن از دموکراسی و به‌ویژه دموکراسی مشارکتی زد. بررسی اسناد و اعلامیه‌های جهانی و بین‌المللی و قوانین داخلی گویای شناسایی حق بر مشارکت شهروندان به‌عنوان یک حق بنیادین و غیرقابل‌انکار است و امروزه «یکی از محورهای اساسی اصلاح نسخه‌های مرسوم دموکراسی و امتداد آنها به سوی دموکراسی‌های نوین همچون دموکراسی مشارکتی و شورایی، افزایش کمیت و کیفیت مشارکت سیاسی شهروندان قلمداد شده است.» (کشاورزی، عربی، ۱۳۹۹: ۲۷۸).

حق سلب این حق را از وی ندارد.^۱ برای پیاده‌سازی این حق از بستر قانون و تکیه بر خواست مردم در تعیین سرنوشت اجتماعی و سیاسی خود این قانون قوه مقننه را ناشی از اراده مردم و متشکل از نمایندگان مردم می‌داند^۲ و در اصل دیگری اشاره به همه‌پرسی تقنینی برای مشارکت مستقیم مردم در امر قانون‌گذاری می‌نماید^۳ که تمامی این اصول بیانگر رویکرد قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به حق مشارکت افراد در اداره امور جامعه خویش است.

در کنار قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، سایر قوانین و مقررات و اسناد بالادستی نیز سخن از مشارکت مردم در اداره امور عمومی به میان آورده‌اند. در سیاست‌های کلی نظام در بخش مشارکت اجتماعی مجمع تشخیص مصلحت نظام^۴ در ده بند به صورت مفصل سیاست‌های مربوط به چگونگی مشارکت مردم در اداره امور عمومی و سیاسی بیان شده است و در بند اول مشارکت اجتماعی در نظام جمهوری اسلامی ایران رکنی اساسی دانسته شده که در راستای ایجاد توسعه همه‌جانبه، تعالی و شکوفایی استعدادهای انسانی و ارتقای اعتماد عمومی و مقبولیت نظام سیاسی به کار گرفته می‌شود. در ادامه نیز توسعه الگوهای عملی مشارکت اجتماعی را بیان می‌دارد از جمله تقویت آزادی‌های سیاسی و اجتماعی از طریق گسترش احزاب، شوراهای، نهادها و تشکلهای

۱ اصل پنجاه و ششم: حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست و هم او، انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته‌است. هیچ‌کس نمی‌تواند این حق الهی را از انسان سلب‌کند یا در خدمت منافع فرد یا گروهی خاص قرار دهد و ملت این حق خداداد را از طریق که در اصول بعد می‌آید اعمال می‌کند.

۲ اصل پنجاه و هشتم: اعمال قوه مقننه از طریق مجلس شورای اسلامی است که از نمایندگان منتخب مردم تشکیل می‌شود و مصوبات آن پس از طی مراحلی که در اصول بعد می‌آید برای اجرا به قوه مجریه و قضائیه ابلاغ می‌گردد

۳ اصل پنجاه و نهم: در مسائل بسیار مهم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ممکن است اعمال قوه مقننه از راه همه‌پرسی و مراجعه مستقیم به آرای مردم صورت گیرد. درخواست مراجعه به آرای عمومی باید به تصویب دو سوم مجموع نمایندگان مجلس برسد.

۴ این سیاستها براساس فرمان مقام رهبری و در راستای اجرای اوامر ایشان و براساس بند یک اصل یکصد و دهم قانون اساسی، سیاستهای کلی نظام جمهوری اسلامی ایران در بخش مشارکت اجتماعی مشتمل بر ده بند به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام رسید.

باید در نظر داشت که «مشارکت همگانی شهروندان در جامعه افزون بر وجود بسترهای قانونی و بالقوه نیازمند، ایجاد تحول و بازانندیشی در زیرساخت های فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است.» (رحمت الهی، آقامحمدآقایی، ۱۳۹۲: ۶۹)

۵- دموکراسی مشارکتی و آزادی دسترسی به اسناد و اطلاعات

مشارکت شهروندان در اداره امور عمومی مستلزم دسترسی ایشان به فرایندهای اداری؛ اسناد و اطلاعات اداری، رویه‌های موجود در دستگاه‌های مختلف و آشنایی مردم با نحوه اداره امور عمومی کشور است؛ چراکه صرف شناسایی حق مشارکت برای شهروندان بدون در نظر گرفتن راهکار پیاده‌سازی این حق و ابزار و ملزومات آن مفید فایده نخواهد بود و اگر بناست شهروندان مشارکت در اداره جامعه خویش داشته باشند باید در ابتدا زمینه مشارکت ایشان فراهم گردد. از این رهگذر، بسیاری از اسناد بین‌المللی و داخلی به آزادی دسترسی به ابزارهای اداره جامعه و اطلاعات از نحوه عملکرد و سازوکارهای اداری و اجرایی کشور سخن به میان آورده‌اند چون «آگاهی‌بخشی به مردم همراه با صداقت و شفافیت در نمایش حقیقت، افزایش سطح اعتماد مردم را به نظام سیاسی و ایجاد زمینه مشارکت سیاسی بیشتر به همراه خواهد داشت.» (حایک، ۱۴۰۰: ۷۹)

امروزه در بیشتر از ۹۰ کشور در سراسر گیتی در قوانین و مقررات و در جلوه‌های گوناگون سخن از آزادی دسترسی به اسناد و اطلاعات به میان آمده است (Banisar, 2011: 6)

که این مهم ریشه در ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر دارد که افزون بر حق آزادی عقیده و بیان، سخن از آزادی به دست آوردن اطلاعات به میان آورده است و اشعار می‌دارد که «هرکس حق آزادی عقیده و بیان دارد و حق مزبور شامل آن است که از داشتن عقاید خود بیم و

اضطرابی نداشته باشد و در کسب اطلاعات و افکار و در اخذ و انتشار آن به تمام وسایل ممکن و بدون ملاحظات مرزی آزاد باشد.» بند ۲ ماده ۱۹ میثاق حقوق مدنی و سیاسی نیز همین امر را مورد تأکید قرار داده است و بیان می‌دارد که «هرکس حق آزادی بیان دارد. این حق شامل آزادی تفحص و تحصیل و اشاعه اطلاعات و افکار از هر قبیل بدون توجه به سرحدات خواه شفاهاً یا به صورت نوشته یا چاپ یا به صورت هنری یا به وسیله دیگر به انتخاب خود می‌باشد.» آزادی دسترسی به اسناد و اطلاعات بیانگر این است که هر فردی حق دارد تا از مقامات عمومی اطلاعات و داده‌های مرتبط با خویش را درخواست نماید و آن مقام اداری مکلف به پاسخگویی به فرد است مگر محدودیت‌های قانونی در این زمینه وجود داشته است. (Banisar, 2011: 5)

حق دسترسی به اطلاعات ارتباط دوسویه و متقابلی با سایر حق‌ها دارد، حق‌هایی مانند احترام به زندگی شخصی و خصوصی افراد، حقوق اجتماعی و اقتصادی و حق مشارکت در اداره امور عمومی (Mcdonagh, 2013, 5) و «یکی از جلوه‌های حکمرانی مطلوب بحث شفافیت عملکردی و آزادی افراد در دسترسی به اسناد و اطلاعات اداری در برخوردهای روزمره شهروندان با اداره است.» (خسروی، حسینی، رامین‌نیا، ۱۴۰۰: ۷۹)

علاوه بر موارد پیش گفته اهمیت آزادی در دسترسی به اسناد و اطلاعات اداری در شفافیتی است که به ارمغان می‌آورد و اگر تمامی دستگاه‌های اداری و اجرایی و تمامی نهادهای عمومی از روی صداقت و بدون هرگونه پنهان‌کاری اسناد و اطلاعات اداره را در اختیار عموم قرار دهند این امر سبب از بین رفتن زمینه‌های فساد اداری می‌شود و «شفافیت اداری، پاسخگویی اداره، پاسخ‌خواهی شهروندان و تسهیل مبارزه با فساد اداری مهم‌ترین فواید این آزادی‌اند.» (خسروی، حسینی، رامین‌نیا، ۱۴۰۰، ۸۸). حق دسترسی به اطلاعات، مستلزم تغییر رویکرد نسبت به

نقش دولت در جامعه است (خسروی، حسینی، رامین‌نیا، ۱۴۰۰، ۹۵).

و اخیراً در نظام حقوقی ایران برخی از قوانین و مقررات اقدام به شناسایی این‌گونه از آزادی نموده‌اند. برای نمونه قانون «ارتقا و سلامت نظام اداری و مقابله با فساد» در ماده ۳ کلیه دستگاه‌ها و مقامات مذکور در این قانون را موظف نموده که کلیه قوانین و مقررات و تصمیمات مرتبط با حقوق شهروندان را در دیدارگاه‌های الکترونیکی منتشر نمایند و همچنین متن قراردادهای دولت را در معرض دسترسی عموم مردم قرار دهند. منشور حقوق شهروندی در نظام اداری الزام به ارائه و انتشار مستمر اطلاعات غیرطبقه بندی شده و موردنیاز شهروندان توسط دستگاه‌های اجرایی را پیش‌بینی نموده است.^۱ همچنین این منشور مقرر داشته که مردم حق دارند بر اساس اطلاعات منتشره توسط سازمان‌ها و نهادهای عمومی در مورد امور خود تصمیم‌گیری نمایند و اگر آن نهاد پس از اعلام از تصمیم خود عدول نمود باید پاسخگوی شهروندان باشد.^۲ این منشور به صراحت نهادهای عمومی را ملزم به انتشار اطلاعات دستگاه خود نموده است.^۳ قانون «انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات» به عنوان یکی از قوانین مهم مرتبط با آزادی دسترسی به اسناد و اطلاعات مطالب مهمی بیان گردیده است و این قانون بیان داشته که هر فرد ایرانی حق دسترسی به اطلاعات عمومی را

داراست^۴ و مؤسسات عمومی را مکلف نموده که اطلاعات موضوع این قانون را در دسترس همگان قرار دهند.^۵ ادامه نیز این قانون مؤسسات عمومی را مکلف نموده که جز مواردی که اطلاعات طبقه‌بندی شده وجود دارد در سایر موارد به صورت سالانه اطلاعات عمومی خویش را منتشر نمایند^۶ که تحقق این امر می‌تواند گام بزرگی در راستای ایجاد شفافیت اداری و سازمانی باشد. مبرهن است که وجود جامعه مشارکت‌جو و شهروندان دغدغه‌مند برای مشارکت در تعیین سرنوشت خویش نیازمند زمینه‌سازی و ایجاد بستر دسترسی به فرایندهای عمومی است و تا زمانی که این بستر فراهم نباشد و تأکید بر محرمانه بودن اسناد و اطلاعات اداری شود و اداره و سازمان‌های مختلف نحوه عملکرد، مبنای تصمیم‌گیری و دلایل عملکرد خود را به شهروندان ارائه ننمایند، مشارکت فعال شهروندان امکان‌پذیر نخواهد بود. رویه ناصوابی که در حال حاضر در برخی از دستگاه‌های اداری کشور وجود دارد حکایت از پیروی از اصل محرمانگی دارد و بسیاری از نهادها و سازمان‌ها و وزارتخانه‌ها اطلاعات لازم را در اختیار شهروندان قرار نمی‌دهند و با تمسک به محرمانه بودن مسائل، آنها را از دید عموم مخفی نگه می‌دارند. امری که علاوه بر زمینه‌ساز شدن بروز فساد اداری، سبب دور از دسترس بودن زمینه مشارکت مردم نیز می‌شود. امروزه کشورهای متکی به خواست شهروندان که سیستم اداری و اجرایی کشور وابسته به خواست ایشان و اساس تصمیمات عمومی خواسته مردم است، شفافیت اداری و سازمانی

۱ بند ۶ ماده ۱

۲ بند ۱ ماده ۸: مردم حق دارند براساس اطلاعاتی که دستگاههای اجرایی در دسترس قرار می دهند یا منتشر می کنند برنامه های خود را تنظیم کنند. چنانچه دستگاهی برخلاف اطلاعاتی که قبلاً اعلام کرده و آن اطلاعات، مبنای تصمیمات و اقدامات مردم قرار گرفته عمل نماید باید پاسخگو باشد.

۳ بند ۲ ماده ۸: در راستای تحقق نظارت واقعی مردم، دستگاههای اجرایی باید به طور سالانه گزارش عملکرد خود را در دسترس عموم قرار دهند همچنین بند ۳ ماده مذکور اظهار داشته که: با رعایت قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات مصوب سال ۱۳۸۸ و آیین نامه های اجرایی آن و سایر قوانین و مقرراتی که حق دسترسی افراد به اطلاعات موجود در دستگاههای اجرایی را تصریح کرده اند دستگاههای اجرایی موظفند اطلاعات درخواستی مردم را در دستر آنها قراردهند.

۴ ماده ۲: هر شخص ایرانی حق دسترسی به اطلاعات عمومی را دارد مگر آنکه قانون منع کرده باشد. استفاده از اطلاعات عمومی یا انتشار آنها تابع قوانین و مقررات مربوط خواهد بود. ۵ ماده ۵: مؤسسات عمومی مکلف اند اطلاعات موضوع این قانون را در حداقل زمان ممکن و بدون تبعیض در دسترس مردم قرار دهند.

۶ ماده ۱۰: هر یک از مؤسسات عمومی باید جز در مواردی که اطلاعات دارای طبقه بندی می باشد در راستای نفع عمومی و حقوق شهروندی دست کم به طور سالانه اطلاعات عمومی شامل عملکرد و طرازنامه خود را با استفاده از امکانات پارانه ای و حتی الامکان در یک کتاب راهنما منتشر سازد...

مساوی است با دموکراسی، دموکراسی شیوه‌ای از زیستن و نوعی از اداره امور جامعه است که مردم در تمامی جنبه‌های مرتبط با سرنوشت خویش تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیر باشند و «اندیشه مشارکت در یک جامعه دموکراتیک به صورت گسترده‌ای شامل مشارکت در طیف وسیعی از اعمال در جنبه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی می‌گردد که همه آنها منجر به تصمیم‌سازی عمومی می‌گردد» (McGonagle, 2014: 31)

و همچنین «مشارکت واقعی مردم در اداره، مفهوم عمیقی است که ناظر بر درگیری فعال مردم در تصمیم‌گیری‌های اساسی سازمان اداری جامعه است.» (مهرگان، فقیهی، میر سپاسی، ۱۳۹۷: ۱۱۵)

امروزه در مباحث مربوط به دموکراسی سخن از دموکراسی برای زیستن است^۱ و این مفهوم از شیوه‌ای برای حکمرانی تبدیل به شیوه‌ای برای زندگی کردن شده است و «دموکراسی پیش از آن که امری سیاسی و معطوف به حکومت باشد، امری اجتماعی و معطوف به معقولیت انسانی است.» (شریعت، ۱۳۹۲: ۸۷)

حال که چنین دگرذیسی در مفهوم دموکراسی پدیدآمده باید نحوه مشارکت نیز تغییر نماید. برای همین منظور در دهه‌های اخیر سخن از دموکراسی مشارکتی به میان آمده است چون «یکی از راه‌های اداره جامعه به صورت مطلوب استفاده از خرد جمعی در تصمیم‌گیری‌ها و پرهیز از استبداد رأی در اتخاذ تصمیمات است.» (مهرگان، فقیهی، میر سپاسی، ۱۳۹۷: ۱۱۴)

در دموکراسی مشارکتی شهروندان دیگر صرفاً مقامات عمومی را انتخاب نمی‌کنند؛ بلکه خود نیز زمام امور را در دست می‌گیرند. در این گونه از دموکراسی مردم هم حاکم و هم محکوم‌اند، زمامداران را انتخاب می‌کنند؛ اما خود در تصمیم‌گیری‌ها شرکت داشته و صرفاً نظاره‌کننده عملکرد و تصمیمات حاکمان نیستند، بلکه به‌عنوان عضوی از

بسیاری وجود دارد و همه امور مربوط به مردم و اداره امور عمومی به صورت شفاف از طریق رسانه‌های عمومی اطلاع‌رسانی می‌گردد و اساس تصمیم‌گیری‌های عمومی به اطلاع همه شهروندان می‌رسد و اداره چیزی برای مخفی و محرمانه بودن ندارد مگر آنچه مربوط به بعضی مسائل حساس مملکتی مانند امور نظامی و امنیتی است که آنها هم بر اساس قانون برای مدت معینی محرمانه تلقی می‌شود و پس از گذشت مدت‌زمان مشخص از حالت محرمانگی خارج و به اطلاع عموم می‌رسد. برای همین منظور امروزه سخن از شفافیت اداری می‌شود بدین معنا که تمامی مسائل مربوط به تصمیم‌گیری اداری و مدیریت اداره امور عمومی بدون هیچ‌گونه پوششی در معرض دید مردم قرار دارد. یکی از گام‌های مهم برقراری دموکراسی مشارکتی وجود آزادی دسترسی به عملکرد اداره و مبانی تصمیم‌گیری آن و وجود شفافیت عملکردی اداره و نهادهای دولتی است.

۶- دموکراسی مشارکتی و همه‌پرسی عمومی

در بسیاری از جوامع زمامداران توسط شهروندان و از رهگذر انتخابات برگزیده و زمام امور را در دست می‌گیرند و این امر در کشورهای مختلف با رژیم‌های سیاسی متفاوت امری متداول است؛ اما باید در نظر داشت که «انتخابات خود به‌تنهایی موجب دموکراسی نیست؛ بلکه تنها ابزاری در جهت تأمین حق مشارکت سیاسی است.» (اسلامی، بشکاردانا، ۱۳۹۱: ۵۴) امروزه برخی از کشورهای کمتر توسعه‌یافته سیاسی و بعضی از حاکمان مستبد انتخابات را مساوی با دموکراسی می‌دانند و این‌گونه القا می‌کنند که چون زمامداران و مقامات عمومی به‌وسیله انتخابات به این سمت‌ها دست یافته‌اند پس جامعه آنها یک جامعه دموکراتیک است. درست است که مردم به انتخاب زمامداران دست‌زده و از رهگذر این انتخاب مقامات عمومی انتخاب شده‌اند؛ اما همواره این‌گونه نیست که بگوییم صرف برگزاری انتخابات

^۱ Democracy for life

اجتماع در کنار مسئولین به کنشگری می‌پردازند. همین امر سبب نزدیکی مقامات عمومی با شهروندان و برابری با ایشان است. در دموکراسی مشارکتی دیگر حاکمان و مقامات عمومی دست نیافتی و غیرقابل‌دسترس نیستند؛ بلکه همواره در کنار مردم هستند و «دموکراسی تشریحی قبل از هر چیز یک دموکراسی مستقیم است که سبب می‌گردد انطباق قانون با اراده عمومی به طرز استوارتری صورت بگیرد.» (دوبنوا، ۱۳۷۶: ۴۸)

برای مشارکت مردم در امور عمومی طرق مختلفی را می‌توان بیان نمود و یکی از ابزارهای مهم برای مشارکت مردم در تصمیمات عمومی مراجعه به همه‌پرسی یا فریاد مردم است. با توسل به این شیوه می‌توان نظر مردم در مورد مسائل مختلف را جویا شد و بعد برای آن تصمیم‌گیری نمود. استفاده از همه‌پرسی قدمتی دیرینه در جوامع دارد و می‌توان سه گونه از آن را برشمرد: همه‌پرسی تقنینی که مردم در خصوص قوانین موردنیاز خود تصمیم‌گیری می‌نمایند، همه‌پرسی بازنگاری قوانین به‌ویژه قانون اساسی که در آن مردم به تغییر قوانین یا قانون اساسی رأی می‌دهند و سوم همه‌پرسی سیاسی که در امور مهم و حیاتی کشور به آرای مردم مراجعه می‌شود. «در جوامع دموکراتیک قوانینی واجد ارزش است که رأی و نظر مردم به طور مؤثر و تعیین‌کننده بر آن دایر باشد و مراجعه به آرای عمومی عالی‌ترین درجه مداخله مردم به شمار می‌رود» (هاشمی، ۱۳۸۸: ۶۶).

از این منظر توسل به همه‌پرسی در حوزه قانون‌گذاری مورد استفاده بسیاری از کشورها قرار می‌گیرد و این شیوه در بسیاری از جوامع معمول است. برای نمونه «در کشور سوئیس اگر پنجاه هزار نفر از شهروندان یا هشت کانتون درخواست کنند که موضوعی مورد تصویب قرار گیرد دولت باید آن را به همه‌پرسی بگذارد.» (قاضی شریعت‌پناهی، ۱۳۸۲: ۲۱۵)

علاوه بر مراجعه به آرای عمومی از رهگذر فریاد مردم، روش‌های دیگری برای همه‌پرسی و اخذ نظر مردم مورداستفاده قرار می‌گیرد و برای مشارکت هرچه بیشتر ایشان در اداره امور عمومی شیوه‌های گوناگونی برقرار می‌شود. یکی از این شیوه‌ها استفاده از «نظرسنجی عمومی»^۱ است. با توسل به این شیوه به‌ویژه در رابطه با امور محلی و امور شهری، در مورد نحوه تصمیم‌گیری در خصوص مسائل عمومی آن منطقه از مردم محل نظرسنجی به عمل می‌آید. در نظرسنجی‌های عمومی مردم نظر خود را در خصوص مسئله و یا تصمیم عمومی و موافقت یا مخالفت خود یا نحوه مواجهه با آن را بیان می‌نمایند. در نظرسنجی عمومی مردم می‌توانند نظرات و پیشنهادهای موردنظر خود را اعلام نموده و از طریق ابزارهای نوین ارتباطی و استفاده از اینترنت به اعلام موضع خود بپردازند و از این طریق نظر خود را به مقامات عمومی اعلام نمایند؛ بنابراین نظرسنجی از مردم گونه‌ای از همه‌پرسی است. یکی دیگر از شیوه‌های اخذ نظر مردم، استفاده از ابزارهای نوین ارتباطی و اینترنتی است. به این صورت که موضوعاتی که جنبه عمومی دارد و تصمیماتی که مرتبط با مردم است از طریق رسانه‌های عمومی مانند تلویزیون، رادیو، مطبوعات، وبسایت، شبکه‌های اجتماعی و... به اطلاع مردم رسانده می‌شود و سپس آنها نظرات خود را در خصوص موضوع در محلی که توسط آن مرجع مشخص شده است^۲ ثبت می‌نمایند و سپس این داده‌ها تحلیل، بررسی و ملاک کار قرار می‌گیرد و اگر عده کثیری از مردم مخالف آن طرح باشند طرح مذکور اجرایی نشده و تغییر می‌یابد. در گونه‌ای دیگر، برخی از مراجع مانند پارلمان یا شوراهای شهر و روستا و انجمن‌های محلی تصمیمات و مصوبات خود را پس از تصویب به سمع و نظر مردم می‌رسانند و مدت معلومی برای اظهارنظر مردم در نظر می‌گیرند تا

^۱ Public Survey

^۲ مانند وبسایت شهرداری و یا پارلمان

عمومی و پیشنهاد آن برعهده دولت است و حتی سایر نهادها و سازمان‌های زیرمجموعه دو قوه دیگر برای بودجه سالانه خود وابسته به دولت هستند و دست دولت در تعیین میزان بودجه ایشان باز است و می‌تواند از این طریق بر دو قوه دیگر اعمال اقتدار نماید. درهرصورت در نقش‌بندی بودجه عمومی کشور و چگونگی توزیع آن مردم که «حاکمیت و قدرت متعلق به آنها است» (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۸۸: ۶۸).

هیچ‌گونه نقشی ندارند و نمی‌توانند خواسته‌ها و نیازهای خود را در بودجه عمومی کشور بگنجانند. این در صورتی است که مالکان این آب‌وخاک و صاحبان اصلی قدرت و حاکمیت مردم هستند و مهم‌ترین مسئله در خصوص اداره امور عمومی بودجه نهادها و نحوه تمشیت امور مالی ایشان است. از طرفی دیگر؛ باید در نظر داشت برای برقراری نظام مالیاتی کشور و نحوه و میزان پرداخت مالیات توسط مردم و صاحبان حرف و مشاغل مختلف نیز هیچ‌گونه اعلام نظر و نظرسنجی از پرداخت‌کنندگان (مردم) صورت نمی‌پذیرد و میزان مالیات به‌صورت یک‌طرفه (آن‌چنان که گویی نوعی مجازات است) از طرف دولت تعیین و اخذ می‌شود و در صورت عدم پرداخت به‌موقع مردم با جریمه‌های سنگینی روبه‌رو می‌شوند و تنها راه اعتراض به میزان این مالیات‌ها شکایت از دولت و کمیسیون‌های مالیاتی در دیوان عدالت اداری است که خود مستلزم صرف وقت زیاد و هزینه است و غالب مردم سراغ آن نمی‌روند. دراین رابطه جالب‌تر آنکه دولت از کارمندان خود بدون اخذ نظر ایشان و بنا بر حقوقی که ماهانه پرداخت می‌کند به‌صورت مستقیم مالیات کسر می‌نماید. در خصوص نهادهای عمومی دیگر مانند شهرداری نیز همین روال پیش گرفته شده و سالانه به میزان دلخواه و مقرر در شورای شهر از تمامی ساکنان مناطق مختلف شهری عوارض گوناگونی گرفته می‌شود که در صورت عدم پرداخت به هنگام نقل‌وانتقال ملک مسکونی،

موافقت یا مخالفت خود را با آن موضوع بیان نمایند و با توسل به این شیوه افکارسنجی عمومی صورت می‌گیرد و خواسته‌ها و نیازهای مردم مورد تحلیل و پالایش قرار می‌گیرد. امری که اینترنت به تسهیل آن کمک بسیار زیادی نموده و در هر مورد افراد با ثبت مشخصات هویتی خود در وب‌سایت مراکز عمومی و دولتی می‌توانند نظرات خود را ثبت و به اطلاع مسئولین مربوطه برسانند و در اداره امور عمومی خویش مشارکت فعال داشته باشند. بدین‌طریق مردم با اعلام نظر خود چه به‌صورت مثبت و چه به‌صورت منفی حق مشارکت خویش را اعمال می‌نمایند. نمونه‌ای از اجرای دموکراسی مشارکتی را می‌توان در کشور برزیل به‌ویژه منطقه ریو گراند^۱ و غرب بنگال و کرالا^۲ در هندوستان مشاهده نمود که مردم در مورد بودجه عمومی و نحوه هزینه‌کرد آن اعلام نظر مستقیم می‌نمایند و به هنگام انتخاب مقامات عمومی مانند اعضای قوه مجریه و یا نمایندگان پارلمان به نحوه هزینه‌کرد بودجه عمومی و برنامه‌های دولت در خصوص آن نیز رأی می‌دهند. (Aragonès, Sánchez-Pagés, 2008: 2)

امری که در نظام مالیه عمومی ایران ناشناخته و مهجور است و غالباً پیشنهاد نحوه خرج کرد بودجه عمومی از طریق دولت تعیین و برای تصویب به پارلمان فرستاده می‌شود. هرچند نمایندگان پارلمان نماینده مردم هستند؛ اما این‌گونه عملکرد ایشان دموکراسی غیرمستقیم است و خود مردم نقشی در نحوه هزینه‌کرد بودجه عمومی ندارد و آن قدر دسترسی به نمایندگان پارلمان دشوار است که نمی‌توان دراین خصوص نظر مردم را به ایشان منعکس نمود. از طرفی دیگر باید توجه داشت که در متن پیشنهادی بودجه نیز به‌هیچ‌عنوان رأی و نظر مردم ملاک کار قرار نمی‌گیرد و تصمیم‌گیری در خصوص بودجه

^۱ Rio Grande del Sul

^۲ West Bengal and Kerala

مجلس برسد.» این در حالی است که پیشنهاددهنده مراجعه به آرای عمومی حسب ماده ۳۶ قانون همه‌پرسی^۲ رئیس‌جمهور یا یک‌صد نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی و تصویب حداقل دو سوم مجموع نمایندگان است؛ اما از همین ظرفیت نیز تاکنون در جمهوری اسلامی ایران استفاده نشده و علی‌رغم بروز مسائل مهم سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در چهل سال گذشته هیچگاه برای تصمیم‌گیری در خصوص آنها به رأی و نظر مردم مراجعه نشده است و تنها برای استقرار نظام جمهوری اسلامی^۳ و تصویب قانون اساسی و بازنگری آن به آرای مردمی مراجعه شده است؛ اما برای امر قانون‌گذاری تاکنون همه‌پرسی برقرار نگردیده است. این در حالی است که از ابتدای آغاز فرایند قانون‌گذاری در ایران تاکنون بیش از دوازده هزار عنوان قانون تصویب گردیده است^۴ و در چهار دهه اخیر مسائل مهمی مانند راه‌اندازی و استفاده از انرژی هسته‌ای، نحوه برقراری روابط خارجی با برخی از کشورها و قطع رابطه با برخی دیگر، توافق هسته‌ای با کشورهای پنج به علاوه یک (برجام)، برداشت از صندوق ذخیره ارزی برای برخی از امور، نحوه و پرداخت یارانه نقدی، تغییر قیمت برخی از کالاهای مهم مانند حامل‌های انرژی و سوخت‌هایی مانند بنزین، بعضی از تصمیمات مهم محیط‌زیستی و... قابلیت نظرخواهی و مشارکت مردم در تصمیم‌گیری درباره آنها را داشت که متأسفانه مورد توجه قرار نگرفت. شایسته ذکر است که همه‌پرسی در ایجاد و استمرار دموکراسی مشارکتی نقشی مهم و برجسته‌ای دارد و جزء مواردی است که مکرر باید مورد استفاده قرار گیرد و امری است که به‌عنوان یک ابزار قوی به مردم اجازه اظهارنظر و دخالت در تصمیم‌گیری‌های عمومی را می‌دهد و یکی از بُن‌مایه‌های مهم توسعه مشارکت مردم است که این مشارکت مردم

جریمه‌های فراوانی بر آن اضافه می‌گردد. در نهایت دولت چه در نحوه خرج کرد بودجه عمومی و چه در حوزه اخذ مالیات‌های مختلف از مردم خود را مکلف به دانستن رأی و نظر ایشان نمی‌داند که این امر مغایر با شیوه‌های دموکراتیک اداره امور ملی و محلی است. از زاویه‌ای دیگر؛ در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران حق بر قانون‌گذاری به صورت مستقیم برای مردم به رسمیت شناخته نشده و شهروندان نمی‌توانند به صورت مستقیم در فرایند قانون‌گذاری شرکت نمایند و تنها نمایندگان منتخب ایشان در پارلمان می‌توانند پیشنهاد طرح‌های قانونی را بدهند؛ اما خود مردم به صورت مستقیم حق ابتکار تقنینی ندارند و راهکار قانونی برای اخذ نظرات ایشان و مشارکت مستقیم در امر قانون‌گذاری در نظر گرفته نشده است. این در حالی است که شهروندان ایرانی می‌توانند ابطال مقررات اداری و آیین‌نامه‌های اجرایی دولتی را از دیوان عدالت اداری تقاضا نمایند^۱ و هیئت عمومی دیوان عدالت اداری اقدام به ابطال آنها در صورت مخالفت با قانون و یا شرع و یا خارج از حدود اختیارات قانونی واضح آنها می‌نماید؛ اما برای ابطال قوانین مصوب مجلس توسط شهروندان هیچ‌گونه راهکاری در نظر گرفته نشده است. و اگر حتی همه مردم کشور مخالف آن قانون باشند راهکار قانونی برای ابطال قانون مجلس در نظام حقوقی ایران وجود ندارند. در نتیجه مردم در فرایند قانون‌گذاری مجلس و ابطال مصوبات آن هیچ‌گونه مشارکتی ندارند و تنها اصل پنجاه و نهم قانون اساسی مقرر داشته که «در مسائل بسیار مهم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ممکن است اعمال قوه مقننه از راه همه‌پرسی و مراجعه مستقیم به آرای مردم صورت گیرد. درخواست مراجعه به آرای عمومی باید به تصویب دو سوم مجموع نمایندگان

^۱ اصل ۱۷۳ قانون اساسی: به منظور رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به مأمورین یا واحدها با آیین‌نامه‌های دولتی و احقاق حقوق آنها، دیوانی به نام «دیوان عدالت اداری» زیر نظر رییس قوه قضاییه تأسیس می‌گردد. حدود اختیارات و نحوه عمل این دیوان را قانون تعیین می‌کند.

^۲ قانون همه‌پرسی در جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۳۸/۰۴/۰۴

^۳ همه‌پرسی ۱۰ و ۱۱ فروردین ۱۳۵۸

پایه‌سازی دموکراسی مشارکتی تأثیرات فراوانی بر جامعه دارد که مهم‌ترین آن کاهش یک‌سویگی عملکرد حکومت و دخیل نمودن مردم در اعمال و تصمیمات اداری است که سبب ایجاد تحول در مدیریت عمومی جامعه می‌شود و تغییرات فراوانی به ارمغان می‌آورد، مفهوم شهروندی را متحول می‌سازد و نقش شهروندان را تغییر می‌دهد و آنان را از انتخاب‌کننده صرف مقامات عمومی و اداری به فعالان عرصه عمومی تبدیل و آنها را نظار عملکرد مقامات عمومی قرار می‌دهد.

منابع و مأخذ

۱. امامی، محمد، موسوی، سید نصر اله. (۱۳۹۱). درآمدی بر بنیادهای حقوق اساسی و نظام‌های سیاسی، تهران، انتشارات میزان
۲. اسلامی، رضا، بشکاردانا، کتایون. (۱۳۹۱). «حق بر دموکراسی در حقوق بین‌الملل معاصر» حقوقی بین‌المللی، سال ۲۹، شماره ۴۷
۳. امیری‌زرگ‌آباد، سودا، ملکوتی هشت‌جین، سید حسین. (۱۴۰۰). «پارلمان الکترونیکی و نقش آن در تحقق دموکراسی» پژوهش‌های حقوقی، دوره ۲۰، شماره ۴۸
۴. رحمت‌اللهی، حسین، آقا محمد آقایی، احسان. (۱۳۹۲). «درآمدی بر نقش دولت در فرایند مشارکت‌پذیری مردم» مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دوره ۵، شماره ۳
۵. دوبنوا، آلن. (۱۳۷۶). «نظام تربیت شهروند: دموکراسی و کالتی_دموکراسی شراکتی» ترجمه بزرگ نادرزاده، کلک فلسفه سیاسی، شماره ۸۹
۶. سجادی، سید هدایت. (۱۳۸۹). «اثرگذاری تکنولوژی بر دموکراسی: دموکراسی تکنولوژیکی» پژوهش سیاست نظری، شماره ۸
۷. شریعت، فرشاد. (۱۳۹۲). «آزادی معقول و دموکراسی اجتماعی» معرفت سیاسی، سال ۵، شماره ۱

به‌ویژه «مشارکت سیاسی شهروندان برای استقرار، حفظ و استمرار دموکراسی امری حیاتی است.» (کشاورزی، عربی، ۱۳۹۹: ۲۷۷)

نتیجه‌گیری

برای استقرار یک نظام دموکراتیک و شهروند محور و پایه‌سازی دموکراسی مشارکتی وجود شناسایی حق بر مشارکت شهروندان، آزادی دسترسی به اسناد و اطلاعات و همه‌پرسی عمومی ضروری است. در وهله اول دولت‌ها باید حق بر مشارکت شهروندان را به رسمیت بشناسند و آنها را دخیل و شریک در اداره امور عمومی که در واقع اداره همان مردم است بنمایند و پس از شناسایی این حق، اطلاعات کافی را به ایشان بدهند و با آزادی دسترسی به اسناد و اطلاعات زمینه مشارکت مردم فراهم نمایند. پس از شناسایی حق بر مشارکت و آزادی دسترسی به اسناد و اطلاعات در مرحله سوم دولت‌ها باید زمینه لازم برای مشارکت همگانی شهروندان در اداره امور عمومی و تصمیمات عمومی را فراهم نمایند که همه‌پرسی، نظرسنجی، گفتگو و تعامل روزمره با شهروندان ابزار این مشارکت همگانی است.

گذار از اندیشه‌های کلاسیک دموکراسی و عبور از صرف مشارکت در انتخاب زمامداران و توسعه و تکوین موازین حقوق بشری و حقوق شهروندی سبب پیدایی گونه‌های جدیدی از دموکراسی شده که یکی از آنها دموکراسی مشارکتی است که تأکید فراوانی بر مشارکت شهروندان در اداره امور عمومی دارد. از این منظر این شیوه از حکمرانی سبب ایجاد تحول در شیوه‌های مدیریت و اداره امور عمومی می‌گردد، گونه‌ای از دموکراسی که مبتنی بر شناسایی و تضمین حق بر مشارکت شهروندان در اداره امور عمومی است و بر آزادی دسترسی به اسناد و اطلاعات اداری و دولتی و همه‌پرسی عمومی تأکید فراوان دارد.

۸. طباطبایی مؤتمنی، منوچهر. (۱۳۸۸). حقوق اساسی، تهران: میزان
۹. قاضی شریعت پناهی، سید ابوالفضل. (۱۳۸۳). حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، تهران: میزان
۱۰. قاضی شریعت پناهی، سید ابوالفضل. (۱۳۸۲). بایسته‌های حقوق اساسی، تهران: انتشارات میزان
۱۱. کشاورزی، سعید، عربی، علی. (۱۳۹۹). «ایرانیان و مشارکت سیاسی: فراتحلیل انتقادی مطالعات انجام شده در زمینه مشارکت سیاسی در ایران» مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۱۰، شماره ۳۵
۱۲. نبی‌لو، حسین، دولت. (۱۳۸۶) «والدین و تعلیم و تربیت: تحلیل فلسفی حقوقی حق بر تعلیم و تربیت» حقوق اساسی، سال ۴، شماره ۸
۱۳. جلالی، علیرضا، گرجی‌ازندریانی، علی‌اکبر. (۱۳۹۸) «مردمسالاری مشارکتی و همه‌پرسی‌های شهری در نظام حقوقی ایتالیا الگویی در جهت تکمیل نظام حقوقی ایران» مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۱۰، شماره ۲
۱۴. جاوید، محمدجواد، فتاحی‌زفرقندی، علی. (۱۳۹۲) «راهکارهای مشارکت مردم در اداره حکومت اسلامی» دانش حقوق عمومی، سال ۲، شماره ۶
۱۵. حایک، مریم. (۱۴۰۰) «رابطه فرهنگ دموکراسی نوین مشارکتی و استفاده از شبکه‌های اجتماعی» وسایل ارتباط جمعی رسانه، سال ۳۲، شماره ۴
۱۶. خسروی، حسن، رامین‌نیا، مژگان، حسینی، محمدجواد. (۱۴۰۰) «آزادی دسترسی به اسناد و اطلاعات در حقوق اداری ایران و اتحادیه اروپا» حقوق اداری، سال ۸، شماره ۲۷
۱۷. عبداللهی، محمد، ساعی، علی. (۱۳۸۴). «تحلیل جامعه‌شناختی دموکراتیزاسیون در ایران» جامعه‌شناختی ایران، دوره ۸، شماره ۳
۱۸. عاملی، سعیدرضا، محمدخانی، نجمه. (۱۳۸۷). ارتباطات بین‌فرهنگی و گفتمان حقوقی؛ آموزشی و رسانه‌ای ایرانی، تحقیقات فرهنگی، سال ۱، شماره ۴
۱۹. مهرگان، فرهاد، فقیهی، ابوالحسن، میرسپاسی، ناصر. (۱۳۹۷). «نقش مشارکت سیاسی و نظام دموکراتیک در شکل‌دهی فرهنگ سیاسی» خط‌مشی‌گذاری عمومی در مدیریت، سال ۹، شماره ۳۰
۲۰. هاشمی، سیدمحمد. (۱۳۸۸). حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد دوم، تهران، انتشارات میزان
۲۱. هاشمی، سیدمحمد، همتی، مجتبی، اسماعیل‌زاده، حسن. (۱۳۸۸). «حقوق شهروندی و توسعه شهری مشارکتی» تحقیقات حقوقی، شماره ۵۰
۲۲. هاشمی، سیدمحمد. (۱۳۹۰). حقوق اساسی و ساختارهای سیاسی، تهران: میزان
۲۳. هاشمی، سیدمحمد. (۱۳۷۷). «جامعه مدنی و نظام سیاسی» تحقیقات حقوقی، شماره ۲۳ و ۲۴
24. Aragonès, Enriqueta, Sánchez-Pagés, Santiago (2008) A Model of Participatory Democracy: Understanding the Case of Porto Alegre, European Economic Review, doi:10.1016/j.euroecorev.2008.09.006
25. Breakfast, Ntsikelelo, Meko, Itumeleng, Maphazi, Nondumiso, Participatory Democracy in Theory and Practice: A Case Study of Local Government in South Africa, Africa's Public Service Delivery & Performance Review
26. Banisar, David (2011) The Right to Information and Privacy: Balancing Rights and Managing Conflicts, Washington, International Bank for Reconstruction and Development
27. Becker, Paula, Raveloson, Jean-Aimé, A (2008) what is democracy? Realized by KMF-CNOE & NOVA STELLA, Antananarivo
28. Campbell, David F J, (2008) The Basic Concept for the Democracy Ranking of the Quality of Democracy, University of Klagenfurt, Faculty for Interdisciplinary Studies (IFF) Institute of Science

30. McGonagle, Tarlach, van Eijk, Nico (2014) the role of regional media as a tool for building participatory democracy, Institute for Information Law (IViR), University of Amsterdam
31. Mcdonagh, Maeve (2013) The right to information in international human rights Law, Human Rights Law Review, No: 13:1
- Communication and Higher Education Research
29. Gilia, Claudia (2013) the Citizen Instrument and Beneficiary of Local Participatory Democracy. Models of Good Practices. The French Experience, Procedia - Social and Behavioral Sciences 81
32. Wagner, Anthony L. (2015) Youth Participatory Democracy and Political Choices: Views from eThekweni, School for International Training South Africa: Social and Political Transformation